



نبرد سرخوشت؛


ملت مبعوث

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران





 payamenehzat.ir

 @ payamenehzat

فهرست

پیام اول	۴	ملت ایران بعد از شهادت حضرت آقا احساس مسئولیت کرده‌اند.
پیام دوم	۵	خدای متعال مردم ایران را مبعوث کرده است.
پیام سوم	۶	اجتماعات، زمینه‌ای برای انتقال برنامه‌های مساجد به خیابان است.
پیام چهارم	۷	اجتماعات، بهترین فرصت سازماندهی و تثبیت شبکه‌های مورثی انقلاب است.
پیام پنجم	۸	نتیجه جنگ را بیش و پیش از تسلیحات نظامی، «اراده مردم ایران» مشخص می‌کند.
پیام ششم	۹	اجتماعات مردمی، هسته حراست از خط امام و گفتمان رهبری در ادامه مسیر انقلاب است.
پیام هفتم	۱۰	کارکرد اصلی شعارهای مربوط به اجتماعات، جذب حداکثری است.
پیام هشتم	۱۱	میدان‌داری مردم در اجتماعات، نظام محاسباتی دشمن را تغییر داده است.
پیام نهم	۱۲	اجتماعات مردمی، انتقالی بین‌نسلی آرمان‌های انقلاب را تسهیل می‌کند.
پیام دهم	۱۳	اجتماعات مردمی باید تا زمان مأیوس شدن دشمن ادامه پیدا کند.
پیام یازدهم	۱۴	از جمله آثار اجتماعات مردمی، ایجاد رعب در دل معدود فرصت‌طلبان و تجزیه‌طلبان است.
پیام دوازدهم	۱۵	ملت ایران با حضور در اجتماعات، تاریخ مستقل خود را خواهند نوشت.
پیام سیزدهم	۱۶	رابطه مردم با امام شهید، رابطه ایمانی و قلبی است که اکنون به ظهور رسیده است.
پیام چهاردهم	۱۷	حضور مردم در اجتماعات، تضمین‌کننده ثبات نیروهای مسلح در جنگ است.

ملت ایران بعد از شهادت حضرت آقا احساس مسئولیت کرده اند.

وقتی پدر خانواده با مراقبت و دلسوزی همه نیازهای خانواده را فراهم نموده و اعضای آن همواره به او تکیه کرده اند، در حادثه ای که پدر را از خانواده می‌گیرد به یک باره همه احساس خلأ خواهند کرد. در این خلأ خانواده به یک بازچینش اقدام می‌کند. رهبر انقلاب پدری بود که در کمال آرامش بسیاری از نیازهای اساسی خانواده بزرگ ایران را تأمین می‌کرد. به یک باره در مواجهه با نبود ایشان، ادراکی از خلأ و فقدان بر سر ما آوار و همین ادراک، باعث شکل‌گیری اهتمام عمومی برای آمدن به میدان شده است.



یک وجه دیگر حضور عمومی مردم، غم بزرگی

است که از دریافت و مواجهه حضوری با این فقدان، شکل گرفته است. این غم به حدی بزرگ است که تسکین آن نیازمند تکیه به دیگران است. این غم مشترک، ما را در یک نقطه انگیزشی و اندیشه‌ای به هم پیوند می‌زند و در این پیوند نمی‌توانیم بین خود و دیگران تفاوت قائل باشیم؛ دیگران را جزو خودمان می‌دانیم و نمی‌توانیم نسبت به دیگری که خود دیگر ماست بی تفاوت باشیم.

یکی دیگری از ریشه‌های جدی این واقعیت درخشان، ادراک وجود گفتارهایی است که منتظر دریدن ایران هستند. سبعیت آمریکا و رژیم صهیونی چیزی نیست که از چشم ایرانیان پنهان بوده باشد. خود دشمن هم مدت‌هاست سخن از تجزیه ایران گفته و آن قدر در آن دمیده است که دیگر هیچ گوشی آن را سخن غریبی نمی‌داند. تا زمان حضور رهبر انقلاب، همگان احساسی از وجود یک سد جدی داشتند که این برنامه را منسد می‌ساخت، اما اینک در دریافت نبود این سد، آن سخن دهشتناک دوباره به یادها آمده است؛ نگرانی از سرنوشتی نامعین ناشی از هجوم گفتارهایی که قصد تکه‌تکه کردن ایران دارند. این نگرانی باعث حس مسئولیت شده است. اینکه باید کاری کرد و نباید ایران را باخت. دریافت این مطلب که برای هر بهبود و ارتقایی در ایران، باید قبلش ایرانی وجود داشته باشد. این دریافت عمومی نیز باعث قبول مسئولیت شده است.

خدای متعال مردم ایران را مبعوث کرده است.



خداوند در شرایط سخت و فتنه‌آمیز، به ملت ایران توفیق داد تا با برانگیختگی فطری، خط مستمر بعثت نبوی را در دوران معاصر نمایان کند. انقلاب اسلامی در ایران، مضمون بعثت را بازتولید کرد؛ این برانگیختگی ابتدا در وجود امام خمینی رحمته الله علیه تجلی یافت و با همت ایشان، جامعه را زنده، عقل را بارور و نعمت‌های ودیعه نهاده شده در فطرت انسانی را یادآور ساخت تا جامعه برای اهداف مقدس و حیات طیبه به حرکت افتد.

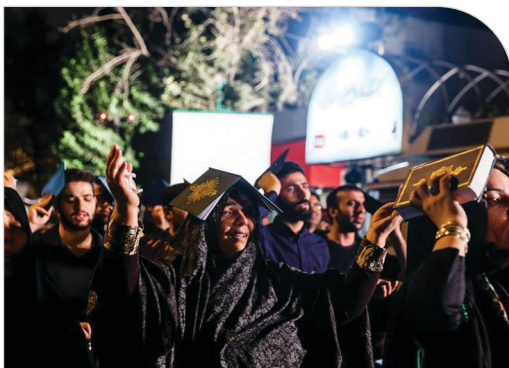
بدون فداکاری، شجاعت و پایداری رهبر الهی و افق‌گشایی او در فهم زندگی حقیقی، برانگیختگی آحاد جامعه عملاً ناممکن بود. به عبارتی، خط ممتد بعثت با کمک مجاهدت اولیای الهی به جامعه رسیده و آن را به حرکت درآورد. جامعه در امتداد حیات و برانگیختگی اولیای الهی، معنا و برنامه‌های جامع از زندگی یافت. عمده شعارهای انقلاب، برگرفته از احیای دین اسلام در تداوم بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم توسط امام بودند و از این سرمایه برانگیختگی، توسط رهبر شهید انقلاب محافظت شد.

جرئت، شجاعت، مقاومت و استقامت انسان باایمان ایرانی در مقابل طاغوت و پایداری بر عهد دینی و آرمان‌های انقلابی و ملی در این شرایط خاص، ناشی از برانگیختگی جان انسان‌هایی است که خداوند از طریق رهبران انقلاب و در ذیل آن‌ها به وجود آورده است. این ایستادگی در برابر زیاده‌خواهی‌ها، توطئه‌ها و فتنه‌ها، ناشی از جایگاه و شخصیت رهبران الهی در زنده‌کنندگی و افق‌گشایی الهی در جامعه است.

برخلاف سایر کشورها که بر اساس موهومات، سعی در فعال‌سازی اراده ملی دارند، رهبران الهی با زنده‌کردن وقایع انسانی، نه تنها اراده و حرکت را در جامعه ایجاد می‌کنند، بلکه به این اراده‌ها جهت الهی می‌دهند تا به سوی خدا و مبارزه با طاغوت گام بردارند. رهبر شهید انقلاب با تکیه بر این جایگاه، جلودار و هدایت‌کننده اراده ملی بوده و این اراده‌ها را پای کار انقلاب و ایران آورده‌اند. با حضور گسترده و خودجوش مردم در صحنه دفاع و بر اساس همین اصل، این مسیر مادامی که اراده ملی به سوی خدا و انقلاب حرکت کند، ادامه خواهد داشت و در این حجم از تهاجم، جایگاهی جز این، توان ایجاد و به‌کارگیری اراده ملی را ندارد.

اجتماعات، زمینه‌ای برای انتقال برنامه‌های مساجد به خیابان است.

بر اساس سنت تاریخی صدر اسلام، مساجد شهرها همواره مرکز اجتماع مسلمین بوده است. به تعبیر رهبر شهید انقلاب: «پیغمبر اکرم... [در خصوص] کاری که برای اجتماع پیش می‌آمد و مهم بود، صدا می‌زدند: الصلوة جامعة؛ بروید به سمت محل صلات؛ برای چه؟ برای اینکه راجع به مسئله جنگ مشورت کنیم یا خبر بدهیم یا همکاری کنیم یا بسیج کنیم امکانات



را و بقیه چیزها را...» لذا امروز که خیابان‌های شهر، به خط مقدمی برای آحاد ملت ایران تبدیل شده و حضور فزاینده آنها مانع نقشه‌های شورش طلبانه دشمن شده است، تنها نهادی که بر اساس تجربه چند دهه انقلاب اسلامی و سنت تاریخی مسلمانان می‌تواند سازمان‌بخش امور باشد مسجد است که در حافظه تاریخی مسلمانان، همواره جایگاه عبادت و پایگاه سیاست بوده است؛ بنابراین در روزهای آتی که حضور مردمی در خیابان‌ها همچنان پایدار و پر شور است، برنامه‌های متعدد مساجد، می‌تواند تنوع و خلاقیت برنامه‌های خیابانی را ارتقا بخشد و علاوه بر اجتماعات و راهپیمایی‌ها، دسته‌های عزاداری، مناجات‌خوانی‌ها و انواع اجراها و سرودهای حماسی در سطح شهر اجرا شود. هنگامی که مسجد به محور مشورت و عقلانیت گروه‌های مردمی برای مدیریت این قبیل کنشگری‌ها تبدیل شود، می‌تواند منشأ و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگاری شود. رهبر انقلاب در این زمینه فرموده بودند: «در صدر اسلام، هم در زمان نبی مکرم اسلام ﷺ و همچنین در زمان حکومت بابرکت امیرالمؤمنین علیؑ، مسجد، مرکز همه تصمیم‌گیری‌های مهم و کارهای بزرگ بود.»

اجتماعات، بهترین فرصت سازماندهی و تثبیت شبکه های مویرگی انقلاب است.



جدا از کارکرد بالفعل اجتماعات در مقابل تهدید به اغتشاش توسط دشمن، این اجتماعات با محوریت مساجد، سرمایه گسترده ای در دسترس قرار داده است. تک تک افرادی که در این اجتماعات حاضر می شوند یک سرمایه اند؛ سرمایه ای برای

ارتقا و توسعه شبکه مویرگی انقلاب اسلامی. تمایل به نقش آفرینی این توده گسترده، این سرمایه را مضاعف می کند. این سرمایه، آماده نقش آفرینی ای بیش از حضور در اجتماعات است. این سرمایه گسترده همچنان سازماندهی شده نیست و در شبکه ارتباطی گسترده و مترابلی حضور ندارد. این توده به واسطه ارتباط معنایی با هویت این اجتماعات و مساجد دور هم جمع شده اند. این هویت را می توان تبدیل به یک موجودیت متشکل و سازماندهی شده با کارکردی گسترده تر تبدیل کرد. تعریف دسته های متنوع از فعالیت ها برای این دست نیروهای آماده به کار، مهم ترین عامل زمینه ساز سازماندهی است. هسته های مرکزی این اجتماعات لازم است رسالت خود را به سطحی بالاتر از صرف حضور در تجمع در مقابل تهدید دشمن برسانند و پیوند خیابان با سنگر مسجد را تقویت کنند. سازماندهی نیازمند مقر است و مسجد چنین ظرفیتی را خلق می کند از سویی توسعه بدنه این سازماندهی از سمت افراد متقاضی فعالیت به سمت افراد دارای آمادگی بالفعل، تا افراد بالقوه، امکان گسترش سازمان را فراهم می سازد. از این رو یکی از مهم ترین وظیفه هسته های مرکزی اجتماعات، آشنایی و ارتباط گیری با تک تک افراد حاضر در تجمع است. فردی که حتی یک بار در این اجتماعات و در مساجد در این روزها حاضر شده است، در صورتی باز هم در تجمع حضور خواهد یافت که توسط فرد یا افرادی که در ارتباط با او هستند به این کار تشویق شود. این ارتباط، با تعریف کارهای گسترده تر و به کارگیری تک تک عناصر و مسئولیت بخشی به تمامی افراد در این دسته کارها شکل عینی سازمانی می گیرد.

از سویی زمینه ترابط شبکه ای هسته ها تا حد خوبی شکل گرفته و قابلیت ارتقای بسیاری یافته است. ترابط و اتصال معنادار این هسته ها نیازمند تعریف هویت و فعالیت های ملی در سطحی بالاتر و فعالانه تر است؛ این سطح بالاتر، رسالت حفظ و استمرار خط ولایی امام خامنه ای شهید و تعیین بخشی به عملیات مورد نیاز است.

نتیجه جنگ را بیش و پیش از تسلیحات نظامی، «اراده مردم ایران» مشخص می کند.

رهبر شهید انقلاب از یک سال قبل از شهادتشان، تذکرات فراوانی درباره «ماهیت جنگ» مطرح کرده بودند. در پیامی به مسئولان صداوسیما فرموده بودند: «امروز پیروزی یک طرف را توانایی او در گرفتن و رساندن پیام و روایت او از واقعیت، رقم می زند؛ بسیار پیش و بیش از آنکه ابزارهای نظامی وارد میدان شوند». جای دیگری تأکید کردند که «در دفاع سخت افزاری اگر نقصی ایجاد بشود، با حرکت نرم افزاری می شود آن نقص را جبران کرد. اما اگر چنانچه در دفاع نرم افزاری مشکل داشته باشیم، مشکل را ابزارهای سخت افزاری برطرف نمی کنند». در چند ماه پایانی عمر شریفشان هم مکرر بر عناوینی مانند «جنگ نرم» و «جنگ تبلیغاتی و رسانه ای» به عنوان ماهیت جنگ تأکید داشته اند.



پس زمینه مجموعه بیانات رهبری درباره ماهیت جنگی که امروز در شدیدترین وضعیت نظامی آن قرار داریم، این است که تکلیف جنگ را «اراده مردم ایران» تعیین خواهد کرد. ماهیت جنگ اجتماعی است و روایتی که مردم با رفتارشان می سازند، برآورد دو طرف را از پایان جنگ را می سازد. صحنه ای که طی شبها و روزهای رمضانی دارد با حضور مردم ایران در خیابانها خلق می شود، اگر استمرار یابد و تقویت شود، تعیین کننده اصلی معادلات نظامی و سیاسی جنگ خواهد بود. همچنان که رهبر شهید انقلاب در آن تأکید داشتند، حتی اگر مشکل سخت افزاری در لایه نظامی به وجود بیاید، با قوت نرم افزاری در افکار عمومی مردم ایران، می توان آن را برطرف کرد. پیام های منتشر شده از سوی فرماندهان میدانی جنگ (از جمله پیام فرمانده نیروهای هوافضای سپاه پاسداران) به خوبی نشان می دهد که در جنگ نابرابری که از نظر تسلیحات نظامی میان ایران با آمریکا و رژیم صهیونی برقرار است، خیابانهای ایران پشتوانه و دلگرمی اصلی نیروهای میدانی است و دست و دل آنها را برای شلیک به سوی دشمن قرص می کند. با استمرار و تقویت و معنا بخشی به اجتماعات شبانه و روزانه رمضانی که در جریان است، پیروز قطعی این نبرد سرنوشت ساز ایران اسلامی است، ان شاء الله.

اجتماعات مردمی، هسته حفظ و حراست از خط امام و گفتمان رهبری در ادامه مسیر انقلاب است.



در لحظه فقدان رهبری انقلاب، مهم‌ترین نگرانی که فراتر از حواشی فرعی باید دل‌مشغولی اصلی نیروهای انقلابی باشد، استمرار اصول و آرمان‌های انقلاب است. همین نگرانی در لحظه فقدان امام خمینی نیز مطرح بود و اغلب سخنرانی‌های رهبر شهید انقلاب، در روزها و ماه‌ها و سال‌های آغازین دوران رهبری اختصاص داشت به اینکه خط امام و اصولی که امام بنیان گذاشت، باید امتداد بیابد. امروز هم به تاشی از رهبر شهیدمان باید همین امر را در دستور کار قرار بدهیم. رئیس‌جمهور جنایت‌کار آمریکا به‌صراحت در نطق‌های جنگی‌اش اشاره کرده است که خواهان نوعی «عمل‌گرایی» در نظام سیاسی بعدی ایران است؛ این عمل‌گرایی که او از آن سخن می‌گوید دقیقاً به معنای

صرف‌نظر از اصول و آرمان‌های انقلابی - خصوصاً نفی عبودیت غیرخدا و ستیز با دستگاه استکبار و نظام سلطه است.

امروز همچنان که در موقعیت جنگ تاریخی و سرنوشت‌ساز با رژیم آمریکا و رژیم صهیونی قرار داریم، در حال انتقال به دوره جدیدی از انقلاب اسلامی هستیم. در این لحظه تاریخی باید با حساسیت و اهتمام تلاش کنیم اصول و آرمان‌های انقلابی را به‌درستی معنا و حفظ کنیم. فهرست بلند اصول و آرمان‌های انقلابی را در «خطوط ترسیم‌شده از سوی امام خمینی» در دهه اول انقلاب و «گفتمان‌های تبیین‌شده از سوی رهبری» در سی و هفت سال از دوران زعامت ایشان پیش روی ما قرار دارد.

اجتماعات مردمی را که در پی مصیبت عظیم شهادت رهبر انقلاب شکل گرفته، باید به عنوان فرصتی برای بازخوانی آرمان‌های انقلاب و تعمیق آن در وجدان عمومی مردم ایران بهره‌جوییم. مضمون این اجتماعات باید تکرار و تکثیر اصول و آرمان‌های انقلاب باشد. اجتماعات مردمی فرصتی برای شکل دادن به هسته‌های مردمی برای حفظ خط امام و گفتمان‌های رهبری است. خون رهبر شهید انقلاب، با فعال‌سازی هسته‌های مردمی برای زنده نگه‌داشتن آرمان‌های انقلابی، بستر ادامه مسیر انقلاب را در ریل موردنظر امام و رهبری فراهم می‌کند، ان‌شاءالله.

کارکرد اصلی شعارهای مربوط به اجتماعات، جذب حداکثری است.

اجتماعات عظیم شبانه شکل گرفته در اقصی نقاط کشور، با حضور مردم پرشور انقلابی، فرصت بسیار خوبی برای تبیین مسائل مختلف کشور است. این تجمعات، سرمایه اجتماعی و ملی هستند و نحوه شعار دادن، سخن گفتن و جهت دهی به پیامها در آنها، نقشی تعیین کننده در حفظ و تقویت این سرمایه دارد. اصل اولی در این فضا، توجه جامعه به اقدامات خصمانه دشمن و جنایات او در این ایام است. دشمن باید در کانون خشم و نفرت جامعه قرار گیرد.



تمرکز شعارها و سخنرانیها باید بر تبیین ماهیت متجاوزانه رژیم صهیونیستی، تشریح سابقه جنایات او، افشای اهداف دشمن از ناامن سازی منطقه و تهدید حاکمیت ملی ایران قرار گیرد. دشمن، امروز تنها در میدان نظامی فعال نیست، بلکه یک عملیات سنگین شناختی و رسانه ای را به طور هم زمان پیش می برد. او دنبال ایجاد فضایی آکنده از شایعه، تحریف، شبهه و وارونه نمایی است. بنابراین، یکی از وظایف اصلی این تجمعات، طرح شبهات رایج درباره دشمن و پاسخ عقلانی و مستند به آنهاست تا افکار عمومی در برابر جنگ روانی مصون بماند. در مقابل، کارهایی وجود دارد که در این مقطع نباید انجام شود. این تجمعات ملی و معنوی، جای دعوای جناحی، تسویه حساب های شخصی یا رقابت های سیاسی نیست. هر شعاری که به حذف، طرد یا تحقیر بخشی از جامعه منجر شود، عملاً به تضعیف جبهه داخلی کمک می کند. هدف باید جذب حداکثری اقشار مختلف مردم باشد؛ با سلايق، گرایش ها و دیدگاه های متنوع؛ نباید به بهانه های مختلف، دایره خودی ها را تنگ کرد و بخش هایی از جامعه را از این همبستگی ملی طرد کرد.

همچنین نقد دولت، برجسته سازی کم کاری ها یا طرح مباحث اختلاف برانگیزی مانند مناقشات سیاسی و مذاکره، هرچند ممکن است در زمان خود قابل بحث باشد، اما امروز طرح آنها در فضای تجمعات مردمی، به انشقاق و تضعیف وحدت منجر می شود. مهمترین اشکال این گونه مباحث این است که تمرکز افکار عمومی را از دشمن اصلی منحرف کرده و زمینه اختلاف را ایجاد می کند. امروز، نقطه کانونی باید ایران، امنیت ملی و مقابله با دشمن متجاوز باشد. وحدت حول ملیت و اسلامیت، شرط عبور کم هزینه و مقتدرانه از این مقطع حساس است. هر شعاری که این وحدت را تقویت کند، درست و هر سخنی که آن را مخدوش سازد- حتی با نیت خیر- در مسیر منافع ملی قرار ندارد.

میدان داری مردم در اجتماعات، نظام محاسباتی دشمن را تغییر داده است.

پس از اغتشاشات دی ماه و عملیات سنگین روانی . شناختی که دشمن برای منفور سازی جمهوری اسلامی دنبال کرد، یک پیش فرض محوری در اتاق های فکر آمریکا و رژیم صهیونیستی مبنی بر تضعیف شدید سرمایه اجتماعی حاکمیت در ایران شکل گرفت. بر اساس همین توهم، دشمن به این جمع بندی رسید که جامعه ایران آمادگی لازم برای ایستادگی منسجم در شرایط بحران را ندارد و می توان با یک کمپین نظامی و گره زدن آسمان به خیابان، زمینه جنگ شهری، بی ثبات سازی داخلی و حتی تغییر نظام را فراهم کرد. شواهد متعددی از این محاسبه در اظهارات رسمی، رفتار میدانی و حتی پیام ها و توییت های رئیس جمهور جنایتکار آمریکا قابل مشاهده است؛ جایی که صراحتاً روی شورش داخلی حساب باز کرده بود. اما آنچه در عمل رخ داد، خلاف تمام این محاسبات بود. حضور گسترده، خودجوش و شبانه مردم در خیابان ها، تجمعات حمایتی حول پرچم ایران و اعلام همبستگی با کشور، دشمن را دچار شوک راهبردی کرد. جنایت عظیم دشمن در تعدی به ساحت مقدس رهبر معظم انقلاب، قلوب همه مومنین و مردم ایران را سرشار از خشم و نفرت نسبت به متجاوز کرد. این حضور برخاسته از غیرت دینی، حس ملی و درک درست حضور دشمن و تهدید خارجی موجودیتی کشور بود و دقیقاً به همین دلیل، اثرگذاری آن چندبرابر شد.

بازتاب این صحنه ها در رسانه های مختلف جهانی، نشان داد که فرضیه جامعه خسته و بریده فرو ریخته است. تصویری که دشمن ماه ها برای القای آن هزینه کرده بود، در چند شب حضور مردم، بی اعتبار شد. حتی عناصر معدود وابسته و مزدور داخلی که دشمن روی آن ها به عنوان لیدرهای میدانی و جریان ساز حساب باز کرده بود، با دیدن حجم حضور مردم، عملاً از حالت عملیاتی خارج شد یعنی نه توان اقدام دارد و نه امکان فضا سازی.

اهمیت راهبردی این تجمعات دقیقاً در همین نقطه است. استمرار حضور مردمی، این بخش از نقشه دشمن را خنثی و او را از سرمایه گذاری روی خیابان مایوس می کند. چیزی که امروز هم نشانه هایی برای آن در صحنه وجود دارد. حفظ این فضا، یک ضرورت امنیت ملی و عنصر تعیین کننده در شکست محاسبات و نقشه دشمن است. سردرگمی دولت آمریکا در مدیریت جنگ و سوال های بی پاسخ جامعه نخبگانی و حتی عمومی آمریکا از دولت مستقر، صحبت های وزیر جنگ و امور خارجه و رئیس جمهور آمریکا در پاسخ به این شبهات و عدم اقتناع نخبگان و سیاست مداران آمریکا، این آشفتگی را به خوبی به تصویر می کشد.

اجتماعات مردمی، انتقال بین نسلی آرمان های انقلاب رابه دهه هشتادی ها و دهه نودی ها تسهیل می کند.

یکی از پدیده های تأمل برانگیز در اجتماعات مردمی رضائی، حضور نسل دهه هشتادی و دهه نودی در این محافل است. بعد از حوادث دی ماه، درباره رده سنی نوجوانان و دانش آموزان و ابهاماتی که برای آنها به وجود آمد، تحلیل های فراوانی مطرح شد. رهبر مهربان و دلسوز انقلاب در آخرین سخنرانی قبل از شهادت (با مردم تبریز)، حتی با گروهی از نوجوانان و جوانان که در حوادث دی ماه فریب خورده بودند، نهایت مدارا و



همدلی را داشتند و از وجود پیشمانی در طیفی از آنها سخن گفتند.

رخداد شهادت آیت الله خامنه ای، به اندازه صدها و هزاران کار تبیینی در رده سنی دهه هشتادی و دهه نودی کارکرد داشته و بسترهای ذهنی و روانی بسیار خوبی برای گفتگو با این نسل فراهم آورده است. این بستر را باید غنیمت شمرد و از آن به احسن وجه بهره برد. بهترین بهره برداری در این فرصت تبیینی که به وجود آمده، بیش از آنکه تأمین اهداف کوتاه مدت سیاسی باشد، باید معطوف شود به آشنایی این نسل با آرمان های انقلاب.

آیت الله خامنه ای از نظر ویژگی های فردی و شخصیتی برای نسل نوجوان و جوان جذابیت های فراوانی دارد. یکی از ویژگی های ایشان نوعی «آرمان خواهی» است که حتی در دوران پیری ایشان زنده بود؛ تا آنجا که پیشران اصلی آرمان گرایی در نسل جوان انقلابی کشور بوده اند. عدالت خواهی، مردم سالاری، استقلال خواهی، استکبارستیزی، پیشرفت ایران، اقتدار علمی و مجموعه آرمان های بزرگ که می تواند برای نسل نوجوان و جوان شورانگیز باشد، در بیانات رهبر شهید انقلاب با توضیحات تفصیلی مطرح شده است. حجاب شک و تردیدهایی که رسانه ها و شبکه های اجتماعی دشمن ایجاد کردند، اجازه نداده اقهات اندیشه آیت الله خامنه ای آن طور که باید توسط نسل نوجوان و جوان دیده و شنیده شود. در اجتماعات مردمی شب ها و روزهای رمضان امسال، گوش ها آماده شنیدن آرمان های بلند رهبر شهید انقلاب برای آینده ایران است، ان شاء الله.

اجتماعات مردمی باید تا زمان مایوس شدن دشمن

ادامه پیدا کند.



ایده امتیازبخش جمهوری اسلامی مردم پایگی آن است. در هر موضوع که مردم به میدان آمده‌اند، انقلاب به پیش رفته و گرهی جدی گشوده است. اینک که مردم متأثر از غم مصیبت شهادت رهبرشان و برای ابراز احترام نسبت به او و بلکه برای اعلام ضرورت انتقاد به میدان آمده‌اند آیا این حضور را باید به شکلی نمادین درک کرد یا به مدت معین، محدود نمود؟ واقعیت آن است که حتی در ایام رحلت امام خمینی رحمة الله علیه نیز ما با چنین وضعیتی مواجه نشده بودیم؛ اینکه همزمان با نبود رهبر و رأس ساختار حاکمیتی، مورد هجوم دشمنان بوده باشیم؛ دشمنانی

که یکی نماد نظام سلطه بین‌المللی و ابرقدرت نامیده می‌شود و دیگری داغ ننگ نسل‌کشی رژیم را بر پیشانی دارد. درک این پیچیدگی است که مردم را با این کیفیت به میدان آورده است. بنابراین فروکاستن این شوق و حضور به یک امر نمادین یا یک عزاداری معمول در سوگ یک بزرگ، نادیدن درک مردم است؛ درکی که ریشه در واقعیت دارد. این پدیده، هوشمندی و روزآمدی و به‌هنگام بودن کنش ایرانیان را به رخ می‌کشد و وقتی این هوشمندی و روزآمدی توأم با انگیزه انتقام شده است نباید این سرمایه اجتماعی را از عرصه برون برد.

امکان طولانی‌شدن این نبرد مقدس و طبعاً وقوع برخی معضلات ملی، امری است که از آن ناگزیر هستیم و بهترین سرمایه برای حل این معضلات، استفاده از این بیعت و اعلام آمادگی عمومی برای پشتیبانی از کشور است. کنش‌های هدفمند درون همین حضور، تنوع و چالاکي در شب‌ها و روزهای مختلف کنونی نشان می‌دهد این جمعیت عظیم، پذیرای نقش‌های متنوع و متناسب با نیازهاست. فراتر، حضور کنونی مردم نه یک کار برای مقابله با چالش‌ها، بلکه عین رشد و بالندگی است. آن کسی که ایمان دارد ولی عملی ندارد مرتبه‌ای دارد و آن کسی که علاوه بر ایمان با عملی بزرگ به میدان می‌آید، هم از فرسایش ایمانش جلوگیری می‌کند و هم آن را ارتقاء و جلا می‌دهد. ایمان عمومی و انقلابی مردم ایران هم از طریق همین تجمعات و سوقشان به سمت نیازها، رشدی تصاعدی را تجربه خواهد کرد.

از جمله آثار اجتماعات مردمی، ایجاد رعب در دل معدود فرصت طلبان و تجزیه طلبان است.

در این ایام، صحنه های خیابانی و میادین شهرها نه تنها محل اجتماعات، بلکه کارزار بازتعریف «اراده ملی» در برابر «توطئه های پنهان» است. اجتماعات خودجوش مردمی که امروز در اقصی نقاط کشور شکل گرفته، واکنشی طبیعی و هوشمندانه در برابر تلاش عده های معدود برای دگرگون کردن چهره این سرزمین است.

هدف اصلی این حضور باشکوه، فراتر از یک تجمع ساده، ایجاد یک «رعبِ هوشمندانه» در دل عناصر معاند، تجزیه طلبان و فرصت طلبانی است که در پناه ناآگاهی یا سکوت، نقشه های خود را دنبال می کردند. وقتی توده مردم، با آگاهی و وحدت، فضا را تسخیر می کنند، آن ها عملاً فضای بازی را برای این عناصر تنگ و خفه می کنند. حضور میلیونی مردم، پیغامی



روشن به دشمنان است: «اینجا، خانه ماست و هیچ کس حق تصرف یا ویرانی ندارد.»

این اجتماعات، پیامی شفاف به نخبگان و اقشار مختلف جامعه نیز مخابره می کند: امنیت و حاکمیت، محصول سکوت نیست، بلکه ثمره هوشیاری و حضور فعال مردم است. این حرکت ها نشان می دهد که بدنه اصلی جامعه، هوشمندانه و بی واسطه، در مقابل تلاش های نفوذی و آشوب طلبانه مقاومت کرده و هرگونه امید بیهوده ای به فروپاشی را در نطفه خفه می کند. برای نخبگان و مسئولان، این لحظات، فرصتی طلایی برای تبیین واقع نمایی شرایط است. نباید اجازه داد فضای ذهنی جامعه توسط شایعات و بازی های روانی معاندان آلوده شود. اجتماعات امروز، مرزبندی دقیق بین «مردم» و «معاندان» است. ایجاد رعب در دل تجزیه طلبان، نه با ترس، بلکه با نشان دادن قدرت حضور مردمی و اراده آهنین ملت به دست می آید.

در پایان، این اجتماعات نه تنها نماد مقاومت، بلکه هشدار جدی به فرصت طلبان است که «ایستاده و متحد» بودن، قوی ترین بازدارنده در برابر هرگونه تهدید خارجی یا داخلی است. بگذارید این رعب ناشی از وحدت، درس جاودانه ای برای تمام دشمنان ایران باشد.

ملت ایران با حضور در اجتماعات، تاریخ مستقل خود را خواهند نوشت.



تاریخ پنج سده اخیر ایران، شرح حماسی مقاومتی است که ملت ایران در برابر موج‌های پی‌درپی سلطه خارجی، با خون دل و بذل جان، از حق خود برای زندگی مستقل دفاع کرده است. این مبارزه، تلاش مستمر برای حراست از هویت تمدنی، تمامیت ارضی و مالکیت بر منابع ملی بوده است؛ از مقاومت در برابر پرتغال در خلیج فارس تا نبردهای سخت با روسیه و بریتانیا که با قراردادهای ننگین گلستان و ترکمانچای و امتیازاتی چون تنها حق ملی شدن صنعت نفت همراه بود اما اوج این رنج‌ها در اشغالگری‌های بین‌المللی و فاجعه قطعی بزرگ نمایان شد، هرچند که اراده ملی هرگز در نهضت مشروطه، جنگل و مقاومت‌های اقوام، نشکست.

امروز، این فصل پررنج به یک نقطه عطف تاریخی رسیده است. دوباره یک قدرت خارجی به دنبال استعمار و استثمار ایران برآمده است. دوباره حضور گسترده و فداکارانه ملت در اجتماعات، به‌ویژه پس از شهادت رهبر شهید، پیامی قاطع به جهان مخابره کرد که ملت ایران دیگر اجازه نمی‌دهد استعمارگران خارجی فصل بعدی تاریخ این سرزمین را بنویسند. ملت ایران با این واقعیت آگاه است که هرگاه یک خارجی و متجاوز، مسیر حرکت تاریخی ایران را تعیین کرده است، کشور وارد یک چرخه بدبختی طولانی مدت شده است.

این حضور حماسی، اعلام اراده‌ای ملی برای مالکیت کامل بر سرنوشت است؛ خواه در برابر جنگ تحمیلی یا تحریم‌های حداکثری اقتصادی و یا هر شکل دیگری از مداخله. ایرانیان ثابت کرده‌اند که حفظ استقلال، هزینه‌ای است که نسل به نسل با فداکاری پرداخت شده و اکنون، با تکیه بر اتحاد مردمی، ملت، خود سکان‌دار تاریخ جدید خواهد بود؛

رابطه مردم با امام شهید، رابطه ایمانی و قلبی است که اکنون به ظهور رسیده است.

پیوند میان مردم و رهبر الهی، پیش از آنکه یک قرارداد رسمی باشد، ریشه‌ای عمیق‌تر در اعماق قلب و ایمان داشته است. این پیوند نانوخته، بر پایه تکیه‌ای است که مردم به شخصیت، تدبیر و اتصال ایشان به وحی الهی داشته‌اند؛ تکیه‌ای که در دوران حیات، در سکوت قلب و اعتماد درونی خود را نشان می‌داد. اما این رابطه قلبی،



با شهادت رهبر عزیز، از حالت درونی و پنهان به حالت ظهور و بیانی درآمد. اکنون، همان پیوند نانوخته‌ای که روزگاری در دل‌ها نهفته و دل‌ها به آن تکیه کرده بود، در عرصه اجتماعات خیابانی و در تظاهرات پرشور مردمی، صورتی عینی و ملموس به خود گرفته است.

همان‌گونه که در دوران حیات، مردم با ایمان به وعده الهی به رهبر تکیه می‌کردند، پس از شهادت نیز این ایمان، مانع از هرگونه هلاکت و انحراف قلب‌ها به سوی باطل شد. حال و هوای خیابان‌ها گواهِ این حقیقت‌اند که حضور فیزیکی مردم، تبلور همان حضور قلبی ایمان و رهبری مومن انقلاب در جان مردم است.

با شهادت رهبر انقلاب، مردم با پوشیدن لباس عزای و انتقام در خیابان، بار سنگین مسئولیت و تعهد حفظ ایران اسلامی را، دقیقاً همان‌طور که در دوران حیات رهبر بر دوش کشیده بودند، به صورت خودجوش و عمومی برعهده گرفته‌اند.

همان‌گونه که پیش‌تر، استکبار در فاصله انداختن میان رهبر و قلب مردم شکست خورد، اکنون نیز در جلوگیری از حضور مردم در خیابان برای ابراز وفاداری ناکام مانده است. حضور در اجتماعات، همان پیوند نانوخته میان امام و امت است که دیگر نمی‌توان آن را پنهان کرد؛ زیرا اکنون این پیوند، در صحنه عمومی و با صراحت حضور مردمی، خود را نشان می‌دهد. حضور در خیابان، تجلی عینی همان ایمان قلبی به رهبر است که امروز با صدای بلند و پایگاه‌های قدرتمند مردمی، ثابت کرده که پیوند ایمانی با رهبری الهی، با شهادت گسسته نمی‌شود، بلکه در شور حضور جمعی، قوی‌تر و زنده‌تر می‌گردد و بزرگ‌ترین مانع را بر سر راه هرگونه طمع خارجی قرار می‌دهد.

حضور مردم در اجتماعات، تضمین کننده ثبات نیروهای مسلح در جنگ است.



حضور اعجاب‌انگیز ملت ایران در خیابان‌ها با انواع مدل‌های اجتماع، راهپیمایی و دسته‌های عزاداری، به‌گونه‌ای مکمل کار نیروهای مسلح شده است که کارکرد آن صرفاً به تأمین امنیت شهری محدود نمی‌شود. سیل عظیم جمعیت‌هایی که روزانه

و شبانه در خیابان‌ها حاضر می‌شوند، شعارهای متعددی از جمله «انتقام خون رهبر انقلاب»، «نابودی رژیم جعلی اسرائیل»، «حذف آمریکا از منطقه» و «تشدید آتش نبرد» سر می‌دهند، اما آنچه به جهان و منطقه مخابره می‌کند، یک معنای واحد است و آن اینکه جامعه ایران به شکلی یک‌دست پشتیبان نیروهای مسلح است تا آنها به نمایندگی از ملت ایران، رژیم جعلی اسرائیل را از بین ببرند و آمریکای جنایت‌کار را از منطقه اخراج کنند؛ بنابراین وجوه معنایی، ارزشی و آرمانی دفاع مشروع نیروهای مسلح در منطقه را ملت ایران با حضور دائمی خود در خیابان‌ها تقویت کرده و در سطح کشور، منطقه و جهان توسعه می‌بخشد. دلیل رشد فزاینده جمعیت مردم در خیابان‌ها نیز همین است که هرچه از روزهای شروع جنگ می‌گذرد، آگاهی عمومی نسبت به این موقعیت خطیر بیشتر می‌شود و مردم رشید ایران، درکی عمیق‌تر از رسالت خود پیدا می‌کنند و به همین جهت، پر شورتر از شب قبل، به خیابان‌ها می‌آیند تا با حمایت همه‌جانبه خود از عملکرد نیروهای مسلح، استحکام گفتمانی عملکرد آنها را دوچندان سازند.